

زنان توانمند و فعال امروز ایران؛ غایب از جشنواره‌ها



زهرا اردکانی فرد پژوهشگر و تحلیلگر سینما و زنان

جشنواره چهل و دوم فیلم فجر با نمایش و رقابت ۲۴ فیلم برگزار شد. تحلیلگران و منتقدان فیلم‌ها را از منظرهای متفاوتی (مانند منظرهای زیبایی‌شناختی، سینمایی، فلسفی، روانشناختی، جامعه‌شناختی، سیاسی و...) مورد تحلیل و مدافعه قرار دادند. این یادداشت به‌طور خاص به دنبال بررسی و تحلیل فیلم‌های جشنواره فیلم فجر در پنج سال گذشته و به خصوص امسال از منظر مطالعات زنان است. نقد فیلم از منظر مطالعات زنان یکی از روش‌های رایج در نقد ادبی است. در این شیوه از نقد، هدف بررسی جایگاه زنان، نحوه بازنمایی آنها و تحلیل مناسبات جنسیتی در اثر موردنظر (رمان، شعر، فیلم، عکس و...) است. این‌گونه از نقد در اصول بنیادین خود به تحلیل این امر می‌پردازد که اثر هنری با تولید فرهنگی به چه میزان ساختارهای متأثر از ایدئولوژی مردسالاری و نگاه کلیشه‌ای نسبت به زنان که با تولیدکننده ستم‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بر زنان است را تقویت می‌کند یا به چالش می‌کشد. تا چه اندازه زنان را در موقعیت‌های برابر و توانمند بازنمایی می‌کند. همچنین اثر هنری چه نسبتی با جامعه و مسائل واقعی زنان برقرار می‌کند.

وضعیت کمی فیلم‌های باقهرمانان زن

از این منظر (منظر مطالعات زنان) مهم‌ترین مسأله جشنواره این است که چه تعداد از آثار حول داستان قهرمانان زن و زندگی زنان روایت شده است. به این معنا که در فیلم‌های به نمایش درآمده چه میزان شخصیت اصلی زن که کل فیلم درباره مسائل او باشد، شکل گرفته است. با مروری بر جشنواره پنج سال گذشته فیلم‌های با قهرمان اصلی زن به صورت زیر برده است. همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود در سال‌های اخیر فیلم‌هایی که به داستان قهرمانان زن پرداخته‌اند در نسبت با کل فیلم‌های جشنواره کم بوده و باعث تأسف اینکه همان تعداد کم نیز در پنج سال گذشته به صورت نزولی کاهش پیدا کرده است و فیلمسازان اغلب ترجیح داده‌اند که جهان زندگی قهرمانان مرد را به تصویر بکشند. بدین معنا گویی جشنواره فیلم فجر به سمت مردانه‌تر شدن و سکوت بیشتر درباره زنان پیش رفته است. زنان به عنوان نییمی از افراد جامعه مسائل و مشکلات مخصوص به خودشان را دارند، علایق و نیازهای خاص خودشان را دارند که سینما هر چه بیشتر و بیشتر درباره آنها بی تفاوت و غیروگواست. با این نگاه اجملی به قهرمانان زن در جشنواره‌های سال‌های گذشته به‌نظر می‌رسد زنان خود و زندگی‌شان را کمتر بر پرده سینما می‌بینند و اغلب مجبور هستند در سینما به دیدن دنیای مردان و قصه‌های آنها بپردازند. عدم پرداخت جدی به مسائل و دنیای زنان در سینما دو علت عمده می‌تواند داشته باشد:

۱. کمبود زنان کارگردان و نویسندگان: در پنج دوره جشنواره که در جدول مشاهده شد به جز سال ۱۳۹۹ که سه کارگردان زن در جشنواره حضور داشتند، در بقیه سال‌ها فقط یک کارگردان زن وجود داشته است. از میان فیلم‌های این کارگردانان نیز فیلم «آتابای» قصه قهرمان زن را روایت نمی‌کند! البته سایر کارگردانان زن سعی کرده‌اند در آثار خود قصه‌های زنانه بگویند و از منظر زنان به موضوعاتی همچون جنگ، آزار جنسی و زندگی روزمره بپردازند. حضور کم‌رنگ و کم‌تعداد زنان فیلمساز بدون شک یکی از دلایل کمتر پرداخته شدن به سوره‌ها و موضوعات مرتبط با زنان در سینماست.

۲. سیاستگذاری و سرمایه‌گذارهای دولتی: در سال‌های اخیر به خصوص در سال گذشته که سرمایه‌گذاران دولتی نقش پررنگ‌تری در فیلم‌های حاضر در جشنواره داشتند به‌طرز جدی‌تری شاهد افول فیلم‌های با محوریت زنان و مسائل آنها هستیم. این نهادها با سرمایه‌گذاری بیشتر بر فیلم‌های متعلق به دوران دفاع مقدس بیشتر به‌وجوه مردانه جنگ پرداخته و از منظر قهرمانان مرد این بخش از تاریخ را روایت کرده‌اند. به‌نظر می‌رسد این نهادها کمتر به موضوعات روز و همچنین موضوعاتی با حضور پررنگ و مرکزی زنان علاقه داشته و سرمایه‌گذاری کرده‌اند. جریان سینمای روشنفکری نیز به‌عنوان جریانی در سینما که مسأله زنان را بیشتر سوره‌های خود می‌کرد نیز در دو سال اخیر ارتباط خود را با جشنواره قطع و تحریم کرده و در مواردی نیز موفق به دریافت مجوز حضور در جشنواره نشده است. کلیه این عوامل در کنار یکدیگر کاهش چشمگیر سینمای زنانه در جشنواره‌های اخیر را رقم زده است.

لذا اگر جشنواره فیلم فجر را به‌عنوان آینه‌ای از فیلم‌های یک‌ساله سینمای ایران بدانیم، مهم‌ترین مشکل آن در این سال‌ها تک‌وجهی بودن و حضور کم‌رنگ زنان و مسائل‌شان در آن است. نادیده گرفتن نییمی از افراد جامعه و قهرمانان آنها توسط سینما می‌تواند بستری برای سوق دادن مخاطبان زن به سمت سایر سینماهای جهان مانند سینمای آمریکا، سینمای کره و... باشد. سینماهایی که سالانه آثار زیادی را برای زنان و با قهرمانان زن به تصویر می‌کشند. بنابر نظریه ارتباطی «بازار پیام» که توسط نظریه‌پرداز ایرانی دکتر مهدی محسنیان‌راد مطرح شده است، در دنیای کنونی مخاطب در بازاری از پیام به‌سری می‌برد، اگر کالای مورد نظر خود را در فروشگاه‌های پیدا



نکند، به فروشگاه دیگری سر خواهد زد و کالای خودش را دریافت خواهد کرد. به این معنا با انتخاب و سیاستگذاری‌های نادقیق و کوتاه‌بینانه در حوزه زنان و سینما به راحتی خیل عظیمی از زنان جامعه به سمت سینمای جهان سوق داده می‌شوند که تبعات و آثار فرهنگی مصرف سینمای خارجی، به‌ویژه و به‌صورت گسترده در جامعه و در ذائقه‌سازی زنان جوان قابل مشاهده خواهد بود.

وضعیت کیفی فیلم‌های باقهرمانان زن

اما مسأله حضور زنان در سینما و در جشنواره پنج سال اخیر به همین‌جا ختم نمی‌شود. مسأله دوم پس از میزان و کمیت حضور زنان و قهرمانان زن در فیلم‌ها، کیفیت و نحوه حضور آنها در فیلم‌ها است. اینکه فیلم‌ها زمانی که شخصیت اصلی فیلم را یک زن قرار داده‌اند به چه مسائل و موضوعاتی درباره او پرداخته‌اند؟ از چه منظرهایی به او نگریسته‌اند؟ آیا او را توانمند، قوی و مستقل تصویر کرده‌اند یا تصویری منفعل، درمانده و مورد ظلم واقع شده است؟ از ساختارند آیا او قهرمانی الهام‌بخش برای سایر زنان به خصوص زنان دختران جوان است یا زنی ضعیف که باید مورد توجه قرار گیرد؟ چه اندازه عاملیت دارد و می‌تواند زندگی خود را مدیریت کند و چقدر دچار جبرهای اجتماعی، فرهنگی و تاریخی بر خود است که کنش‌های او را محدود می‌کند؟ حوزه کنشگری او تا کجاست، آیا توانسته از خانه و خانه‌نشینی فراتر برود و نقش موثر اجتماعی و سیاسی ایفا کند؟ آیا از کلیشه‌های جنسیتی که زنان را به رفتار و موقعیت‌های خاصی محدود می‌کنند، گذر کرده یا همچنان اسیر آنهاست؟

اینها پرسش‌هایی است که درباره نحوه بازنمایی زنان در فیلم‌ها باید به آنها پاسخ دهم تا بتوانیم تصویری دقیق از آنچه درباره زنان روی پرده بزرگ سینما رخ می‌دهد، داشته باشیم و از خلال این تحلیل‌ها بتوانیم به نقاط ضعف و قوت سینما در این حوزه بپردازیم و سیاستگذاری‌های دقیق‌تری برای سال‌های آینده داشته باشیم؛ سیاست‌هایی که به اندازه کافی بتواند دربرگیرنده نییمی از جمعیت جامعه باشد. برای این منظور نگاهی دقیق‌تر به فیلم‌های باقهرمانان زن در پنج سال گذشته در جشنواره خواهیم داشت. با نگاهی دقیق‌تر به داستان و محتوای این فیلم‌ها به چند شیوه کلی از بازنمایی زنان در آنها می‌رسیم که در ادامه مختصری درباره آنها توضیح می‌دهیم:

۱. زن سنتی

کماکان در فیلم‌های زنانه که داستان بر محور شخصیت زن فیلم استوار است با غلبه بازنمایی زن سنتی روبه‌رو هستیم، زنی که صرفاً مادر یا همسر معرفی می‌شود و شناسیت دیگری ندارد. بیشترین تعداد از فیلم‌های جدول زن را فراتر از نقش‌های سنتی او نتوانسته‌اند تصویر کنند. زنان سنتی که در فیلم‌ها صرفاً ذیل نقش‌های خانوادگی خود تعریف می‌شوند و هویت فردی آنها مورد توجه قرار نمی‌گیرد. بیشتر از هر چیز این فیلم‌ها زنان را در جایگاه مادری و دغدغه‌های مادری تعریف می‌کند. نقش‌های سنتی زنان علی‌الخصوص مادری بسیار ارزشمند و حائز اهمیت است، اما اینکه زنان به‌صورت کلیشه‌واری در سینما عمدتاً در این نقش‌ها بازنمایی شوند، پاسخگوی دختر و زن جوان امروز که اغلب تحصیل‌کرده، توانمند و دارای پتانسیل‌های بالا برای حضور اجتماعی است، نیست.

در برخی از این فیلم‌ها مانند «بی‌مادر» در عین حال که زن به‌عنوان پزشکی حاذق معرفی می‌شود اما عملاً با زنی مواجهیم که علی‌رغم کلیه موفقیت‌های تحصیلی، شغلی و موقعیت اجتماعی‌اش به‌جهت مادر نشدن، ناقص تلقی می‌شود. در سراسر فیلم بر هیچ کدام از شئون فردی او تأکید نمی‌شود، بلکه صرفاً بر نقش او به‌عنوان مادر اصرار ورزیده می‌شود. گویی تنها ارزش (یا بی‌ارزشی) یک زن در امکان (یا عدم امکان) مادری است. نکته جالب توجه در مورد فیلم‌های اینچنینی این است که زنان در آنها، ظاهر مادران و امروزی با بالاترین درجه تحصیلی، شغلی و موقعیت اجتماعی هستند؛ اما همه اینها انگار در فیلم‌تزیینی است و برای شخصیت کار نمی‌کند؛ چراکه در نهایت شخصیت زن علی‌رغم همه این موفقیت‌ها، ضعیف و ناتوان است، حسادت می‌کند و تصمیم‌های بد می‌گیرد (در بی‌مادر). لذا اگر در فیلمی مانند بی‌مادر، زنان را زنان بدون سواد و معمولی هم در نظر بگیریم چیزی از داستان فیلم تغییر نمی‌کند، چون موقعیت اجتماعی و شکوفایی‌های فردی زنان در این فیلم‌ها کنش‌مند نیست. فیلمساز تصویری از تأثیر تحصیلات و دانش بر زنان و زندگی‌شان ندارد. بدون شک رشد‌های فردی در زندگی زنان (و حتی مردان) شخصیت آنها را توسعه‌یافته‌تر و غنی‌تر می‌گرداند و این‌غنا در موقعیت‌ها و انتخاب‌های مختلف زندگی آن فرد خودش را نشان می‌دهد. اما در این فیلم‌ها ما آن غنا، استقلال و قدرتی که یک زن تحصیل‌کرده و موفق در زندگی‌اش باید داشته باشد را نمی‌بینیم. به‌طور کلی باید گفت صرفاً ظاهر زنان مدرن شده است اما در باطن همان زن وابسته و کلیشه‌ای سنتی را شاهد هستیم.

۲. زن آزرده‌جستی

از میان ۲۲ فیلمی که درباره زندگی و مسائل زنان در این سال‌ها ساخته شده

است سه مورد از آنها شامل «ایلی»، «بی‌همه چیز» و «علف‌زار» درباره آزارهای جنسی و تجاوز نسبت به زنان می‌باشد. البته فیلم دیگری نیز در جشنواره سال ۱۴۰۱ به نمایش درآمد با نام «استاد» که به همین موضوع می‌پردازد اما در این فیلم قهرمان اصلی زن داستان نیست و فیلم درباره فرد آزارگر و نامزد غیرتی زن است و از خود زن، احساسات و دردهایش خبری نیست! از این جهت این فیلم را کنار گذاشته و به‌سه فیلم دیگر که توجه خود را به زن آزرده‌یافته متمرکز کرده‌اند می‌پردازیم. به نظر می‌رسد توجه به این موضوع در چند سال اخیر تحت تأثیر کمپین‌ها و افشاشگری‌های گسترده آزارهای جنسی در ایران و جهان باشد. توجه به این موضوع در سینما می‌تواند مفید و حائز اهمیت باشد؛ چراکه این موضوع سالیان درازی به‌عنوان تابو در زندگی زنان وجود داشته که سکوت درباره آن، گاهی زندگی‌شان را برای مدت طولانی نابود کرده‌اند. لذا ضروری است که سینما و سایر نهادها به شیوه‌های صحیح در این باره اطلاعاتی به زنان و جامعه ارائه دهند تا بتوانند به خوبی از آنها در برابر آزارها و آسیب‌های احتمالی محافظت کنند. اما مواجهه این سه فیلم با این موضوع چگونه است و چه الگویی در اختیار زنانی که در چنین موقعیتی قرار گرفته‌اند، می‌گذارد؟ در فیلم ایلیق بدترین و ضعیف‌ترین شیوه‌ای که یک زن در چنین موقعیتی می‌تواند با آن مواجه شود ارائه می‌گردد، یعنی زن دروغ می‌گوید و اظهار می‌دارد که آزار و تعرض جنسی به او صورت نگرفته است! مرد تیره می‌شود و زن با آثار روانی برجای‌مانده از آن تعرض زندگی‌اش را ادامه می‌دهد. این فیلم با چنین رویکردی نه تنها به زنان آزرده‌یافته کمک نمی‌کند بلکه در راستای تخریب مردان آزارگر نیز می‌باشد. در بی‌همه چیز به خوبی حالات و دردهای چنین زنی به تصویر کشیده می‌شود و بیننده را به درک چنین موقعیتی نزدیک می‌کند. همچنین فیلم نشان می‌دهد که چگونه زن آزرده‌یافته توانسته است بر درد و مشککش غلبه کند و به موفقیت برسد. از این جهت فیلم قدرتمند و کمک‌کننده است. در فیلم سوم علف‌زار تلاش عمده فیلمساز معطوف به نمایش رنج و دردی است که زن در چنین موقعیتی تجربه می‌کند که به شیوه‌ای تأثیرگذار آن را با بازی خوب سارا بهرامی به نمایش می‌گذارد. فیلم علف‌زار به زن داستان قدرت می‌دهد که سکوت را بشکند و به‌صورت رسمی و قانونی شکایت کند و حق خود را مطالبه کند. از این جهت فیلم پیشرو محسوب می‌شود و نهاد‌های قانونی را درگیر این مسأله می‌کند.

۳. زن درمانده

در برخی از فیلم‌های با قهرمان اصلی زن ما با زنی درمانده و مستاصل روبه‌رو هستیم که قادر به سروامان دادن به زندگی و مشکلات خود نیست، فیلم‌هایی مثل «نبودنت»، «بدون قرار قبلی»، «مغز استخوان» و... زانی که در غیاب مردان زندگی‌شان به درماندگی رسیده‌اند! (بدون قرار قبلی و نبودنت). گویی این زنان هویت و تدبیر مستقلی در زندگی ندارند. در این فیلم‌ها زنان به‌عنوان شخصیت‌های وابسته‌ای ترسیم می‌شوند که حتماً باید یک مرد به‌عنوان فرشته نجات در زندگی آنها پیدا شود تا از آن وضعیت سردرگم و مستاصل نجات پیدا کنند. مثلاً در بدون قرار قبلی زنی را داریم که به‌خاطر فقدان دو مرد در زندگی‌اش (پدر و همسر) دچار افسردگی و مشکلات روحی است که در نهایت هم به کمک یک مرد دیگر از این وضعیت نجات می‌یابد! این زن که پزشک متخصص و کاربلدی در آلمان است موقعیت و رشد‌های شخصی‌اش هیچ تأثیری در بهبود شرایط زندگی‌اش ندارد. بلکه صرفاً حضور با غیاب مردان در زندگی اوست که حلال مشکلات است!

۴. زن فعال کنشگر

هفت فیلم از این فیلم‌ها اما زانی فعال و کنشگر می‌سازند که به‌صورت

فعالانه تلاش می‌کنند زندگی خود را بهبود دهند مانند «عامه‌پسند»، «دست‌های ناپیدا»، «هناس»، در عرصه‌های اجتماعی کاملاً فعالانه عمل کنند مانند «دسته دختران»، «خروج» و استعدادها و توانمندی‌های خود را به‌طور و بروز برسانند، مانند «پروین». در این فیلم‌ها همان‌طور که مشخص است سطح مختلفی از فعالیت زنانه به نمایش گذاشته می‌شود. در برخی از این موارد عاملیت و قدرت تغییر و مدیریت صرفاً در سطح زندگی فردی زنان نشان داده شده است، یعنی زنان این فیلم‌ها برخلاف زنان گروه سه خودشان به‌صورت مستقل و توانمند تلاش می‌کنند زندگی فردی و خانوادگی خود را ارتقا دهند و مشکلات‌شان را حل کنند. اما سطح دیگری از فعالیت نیز در این فیلم‌ها وجود دارد که در فیلم‌های دسته دختران، پروین و خروج خودش را نشان می‌دهد، جایی که زنان و توانمندی‌های آنان وارد عرصه اجتماعی می‌شود و آنها به کنشگران اجتماعی تبدیل می‌شوند.

این سطح از شکوفایی زنان که در خدمت جامعه و توسعه می‌تواند قرار گیرد همان‌طور که مشاهده می‌شود بخش بسیار کوچکی از فیلم‌ها با قهرمانان زن را تشکیل می‌دهد. به این معنا که سینما هنوز از ساخت قهرمانان زن در عرصه اجتماعی عاجز است و نمی‌تواند کنشگری و تأثیرگذاری آنان در جامعه را به‌تصویر بکشد. از این جهت گویی سینما به‌خصوص در شکل جشنواره‌ای آن از آنچه در جامعه رخ می‌دهد عقب‌تر است. ما در جامعه، زنان را بسیار مستقل‌تر، کارآمدتر، فعال‌تر و قدرتمندتر در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، علمی و... داریم اما سینما هنوز از ترسیم آنها ناتوان است و بیشتر آنها را ذیل کلیشه‌های ایدئولوژی مردسالارانه به تصویر می‌کشد. سینما فقط ظاهر و نوع پوشش زنان را مدرن کرده است اما تصویر صحیحی از دختر و زن توانمند و رشد‌یافته امروز ایران به دست نمی‌دهد.

از این جهت به نظر می‌رسد سینما نیازمند بازخوانی و بازنگری در بازنمایی که از زنان ارائه می‌دهد، است برای اینکه بتوانند ارتباط بهتری با دختران و زنان نسل جدید برقرار کنند. دخترانی که این روزها در رسانه‌های اجتماعی به‌صورت کاملاً فعال و کنش‌مند حضور دارند، کسب و کارهای شخصی راه می‌اندازند، دانش خود را با دیگران به اشتراک می‌گذارند و آموزش می‌دهند، کنشگری‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی انجام می‌دهند. سینما گویی این سطح از کنشگری زنان در سایر رسانه‌ها را درک نکرده است و تصویری که از زنان و دختران به‌تصویر می‌کشد متعلق به یکی دو دهه قبل است و نسبتی با دختران و زنان توانمند و فعال امروز جامعه ایرانی ندارد. جشنواره فیلم فجر به‌عنوان ویرتینی که قرار است از جامعه تأثیر بگیرد و با جامعه ارتباط برقرار کند امسال نیز با تازاب دهنده خوبی از شرایط و نیازهای زنان نبود. همان‌طور که مشاهده شد امسال یکی از کم‌رغ‌ترین و ساکت‌ترین جشنواره‌ها را در حوزه زنان شاهد بودیم. تعداد فیلم‌ها با قهرمانان زن بسیار اندک بود به‌طوری که تنها می‌توان به فیلم پروین که درباره زندگی شخصی پروین اعتصامی شاعر بلندآوازه می‌پردازد، اشاره کنیم. فیلم‌هایی از این دست که به زنان توانمند و موفق افسردگی و موفق تاریخ کشور می‌پردازند از طرفی می‌توانند برای دختران الگوهای مناسبی ارائه کرده و الهام‌بخش باشند، از طرف دیگر باید الگوها و موضوعات امروزی‌تری را که با زندگی واقعی زنان جوان امروز ارتباط دارد نیز در جشنواره عرضه شود تا مخاطبان زن سینما به‌عنوان نییمی از مخاطبان بتوانند خودش را روی پرده تماشا کنند. در واقع آنها الگوها و نسخه‌های خوب، توانمند و فعالی از خودشان را ببینند نه صرفاً زانی درمانده، منفعل و وابسته.

سال جشنواره	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲
تعداد کل فیلم‌های شرکت‌کننده در جشنواره	۲۴	۱۶	۲۲	۲۴	۲۴
تعداد فیلم‌های با قهرمان اصلی زن	۶	۵	۵	۳	۳

سال جشنواره	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲
کارگردانان زن حاضر در جشنواره	نیکی کریمی (آتابای)	نرگس آبیاری (ایلیق) آیدا پناهنده (تی‌تی) فروتوش صمدی (خط‌فرضی)	متیر قیدی (دسته دختران)	لیلی عاج (سرهنگ ثریا)	شاه‌حسینی انسیه (دست ناپیدا)

سال جشنواره	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲
فیلم‌هایی با قهرمانان زن در جشنواره	ابر بارانش گرفته سه‌کام حبس عامه‌پسند قصیده گاو سفید مغز استخوان کشتارگاه و خروج	بی‌همه‌چیز ایلیق مامان خط فرضی تی‌تی	دسته دختران هناس بی‌مادر علف‌زار بدون قرار قبلی	سرهنگ ثریا در آغوش درخت کاپیتان	پروین دست‌های ناپیدا نبودنت